

بقیه از شماره پیش

# چشم پزشکی

## تاریخچه تراخم

نگارش

آقای دکتر محمود شروین

دستیار بخش چشم پزشکی  
بیمارستان فارابی

آقای پرو فور شمس

استاد کرسی چشم پزشکی دانشکده پزشکی  
رئیس بخش چشم پزشکی بیمارستان فارابی

**تراخم:** بیماری واگیر چشم و عبارت از دانه‌هاییست که در ملتحمه پلکی و شکنج پیدا می‌شود و بالتیام منجر میگردد.

از پژوهش و بررسی آثار دانشمندان و استادان پزشکی چنین برمیآید که این بیماری از روزگار پیش از تاریخ نژاد انسانی را آسیب میرسانیده است چنانکه در کتابهای پزشکی که بسال ۱۸۷۲ هنگام کاوش شهر تب از کشور مصر بدست آمده بیماری مذکور اشاره شده است.

گزارش هرودت مورخ یونانی در ۴۵۰ سال پیش از میلاد مسیح در باب اعزام کحال از دربار فرعون بدربار شاهنشاه ایران و همچنین سفارش استاد بزرگ بقراط بروش تراش پشت پلک‌کهنانشانه ای از قدمت این بیماری است.

در دو هزار سال پیش دیوسکورید<sup>(۱)</sup> پزشک معروف این بیمار را تراخم نام گزارده است زیرا واژه تراخما در زبان یونانی بمعنای خشونت پلک میباشد سپس جالینوس راجع بدرمان آن دستوراتی داده است. از این تاریخ بعد استادان فن در باره این بیماری بررسی پرداخته‌اند تا هنگام شاپور بن اردشیر ساسانی که اسیران رومی وارد شهر گندی یا جندی شاپور در اهواز شدند و با خود کتابهای پزشکی داشتند و آن نوشته‌ها را بفرمان شاهنشاه دانش پرور انوشیروان بزبان پارسی گزاردند. ابوبکر

محمد بن زکریای رازی که خود دارای چندین رساله در چشم پزشکی است مینویسد که برزویه طیب مشهور ایرانی در دانشگاه گندی شاپور کرسی استادی چشم پزشکی داشته است.

مارمو آتون<sup>(۱)</sup> و وورمس<sup>(۲)</sup> پزشکان معروف کوریهای بیماران چشم راهنگام جندهای صلیبی در شرق بعلت تراخم میدانند.

این بیماری در آغاز سده نوزدهم و لشکر کشی ناپلئون بنا پارت بمصر بین سربازان امپراطوری پراکنده گردید ولی پزشکان آنزمان بعلت آشنا نبودن کامل باین بیماری گزارش روشنی نداده‌اند. این بیماری پس از بازگشت سپاهیان باروپا در میان اهالی آن سامان منتشر شد و موجب کوریهای بیشمار گردید که پزشکان از جلوگیری آن عاجز ماندند. بویژه در بلژیک چهار هزار سرباز ازدو چشم و ده هزار تن از یک چشم نابینا شدند بناچار حکومت وقت از چشم پزشک نامدار آلمانی یونکن<sup>(۳)</sup> کمک خواست و پس از شش سال مبارزه بانهایت کوششی که در اینراه بعمل آمد باز ۱/۴ از سپاهیان بلژیک بتراخم دچار بودند.

از آنچه گفته شد میتوان تراخم را از بیماریهای دانست که از آغاز زندگانی اجتماعی بشر موجب آسیب و زیانهای بسیار گردیده است. ولی دانشمندان پزشکی بعلت نبودن وسایل و آزمایشگاه تا مدتی پیش میکروب ویژه آنرا نشناخته بودند. هرگاه بآمار بیماری تراخم توجه کنیم مشاهده میشود که شاید بیش از یک چهارم از مردم کره زمین بدین بیماری دچارند. در بین کشورهای بیگانه در بلژیک بیمار تراخمی زیاد است و عده تراخمیها در لهستان ۱/۴٪ و در برزیل و آرژانتین ۱/۱٪ و در فنلاند و انگلیس و اتازونی نزدیک بدو در صد است. دیگر کشورها بین ۱۰ - ۹۹ در صد دارای بیماران تراخمی بوده‌اند. چنانکه در مصر نسبت تراخم تا ده سال پیش نزدیک ۹۹٪ بوده و اکنون در اثر مجاهدات بسیار به ۲۰٪ پائین آمده است.

در کشور ما آمار بیماران تراخمی بخوبی معلوم نیست. گرچه یکی از استادان چشم پزشکی سرشناس خواسته است آمار از آن بدست آورد و این رنج را بر خود هموار کرده است و از روی گزارشهای بهداری شهرستانها آمار گرد آورده است ولی



اینجانب عقیده دارد که آمار بدست آمده از حقیقت بسیار دور است زیرا طبق مشاهدات خود تنظیم آمار بیماران بطور کلی و بخصوص بیماریهایی مانند تراخم در خارج از تهران بوسیله پزشک‌بیماران و یا کسانی انجام میشود که آشنائی آنان بتراحم بسیار کم است و بعلاوه نبودن وسایل و عدم استقبال مردم و فرار از معاینه خود بزرگترین مانعی برای تهیه آمار درست از این بیماری بوده است ولی آنچه مسلم است اینست که نسبت تراخم درین مردم این کشور خیلی زیادو شاید بطور میانه ۵۰ تا ۶۰ درصد باشد. امید است بامقدماتی که برای مبارزه با تراخم پیش بینی شده است و شرح آن بجای خود خواهد آمد بتوان در نخستین فرصت آمار درستی از این بیماری بدست آورد.

ندته اینکه مسلم است اینست که تراخم در جاهای بلند و سرد سیر کمتر از جاهای پست و گرمسیر میباشد.